

بررسی تأثیر نابرابری های منطقه ای بر امنیت عینی استان های کشور

سعید گودرزی^۱، علی ربیعی^۲، محمد جواد زاهدی مازندرانی^۳، اسدا.. نقدی^۴

از صفحه ۱ تا ۳۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۱

چکیده

از جمله مسایل بسیار مهمی که از دیرباز تاکنون در شکل های مختلف مطرح بوده و ابعاد و موضوع های مربوط به آن در گذر زمان، تنوع بسیاری داشته است، مقوله امنیت است. در دهه های اخیر، مفهوم جدیدی از امنیت متولد شده است که با مفهوم امنیت در دوره های قبل تفاوت های اساسی دارد. بدین معنی که امنیت چند جانبه شده، فقط محدود به بعد نظامی نمی شود و تنها با توسل به نیروی نظامی و زور تأمین نمی شود. یکی از عواملی که بر امنیت عینی در سطح کلان جامعه تأثیر می گذارد، نابرابری های منطقه ای موجود در سطح جامعه است. با توجه به مطالب ذکر شده می توان گفت موضوع این مقاله «بررسی تأثیر نابرابری های منطقه ای بر امنیت عینی استان های کشور» است. سطح تحلیل تحقیق، سطح کلان و واحد تحلیل تحقیق، استان می باشد. جامعه آماری تحقیق همه ۳۱ استان کشور می باشد. روش بکار رفته در این پژوهش، روش تحلیل ثانویه است. یافته های تحقیق نشان می دهند از لحاظ امنیت، استان تهران دارای بالاترین میزان امنیت عینی و استان خوزستان دارای کمترین میزان امنیت عینی در بین استان های کشور بوده است. همچنین از لحاظ نابرابری منطقه ای، استان البرز دارای بیشترین نابرابری و استان های کهگیلویه و بویر احمد و یزد دارای کمترین نابرابری با توجه به جمعیت در بین ۳۱ استان کشور بوده اند. یافته های تحقیق همچنین نشان می دهند که بین متغیر نابرابری منطقه ای با متغیر امنیت رابطه معنادار وجود دارد و تقریباً ۰/۳۶ واریانس متغیر امنیت عینی استان ها ناشی از نابرابری منطقه ای است. همچنین به ترتیب ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نابرابری منطقه ای بیشترین تأثیر را در امنیت عینی استان ها داشته اند. در ضمن نابرابری منطقه ای بیشترین تأثیر را به ترتیب بر روی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی امنیت عینی داشته است که تأثیر نابرابری منطقه ای بر روی بعد اقتصادی امنیت معنادار نبوده است.

کلید واژه ها: نابرابری منطقه ای، امنیت عینی، امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی، امنیت اقتصادی.

۱. عضو هیأت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول) sgoodarzi1355@yahoo.com

۲. دکترا و عضو هیأت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه پیام نور Alirabee@pnu.ac.ir

۳. دکترا و عضو هیأت علمی گروه جامعه شناسی دانشگاه پیام نور M_zahedi@pnu.ac.ir

۴. دکترا و عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا همدان nagddi219@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

در جهان امروز، نابرابری های اقتصادی و اجتماعی به عنوان پدیده ای فراگیر و رو به گسترش، قابل مشاهده است (لی^۱، ۲۰۱۰: ۱). تجلی های نابرابری را می توان در اشکال مختلف از جمله نابرابری اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، نژادی، قومی، مذهبی، جنسیتی و نیز اشکال مشخص تر در آمدی، تغذیه ای، آموزشی و بهداشتی بررسی کرد (راغفر و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۴۲). امروزه نگرانی های زیادی درباره نابرابری و ابعاد مکانی آن وجود دارد که نیازمند توجه بیشتر اندیشمندان و سیاستگزاران در این زمینه است (کنبور و ونابلز^۲، ۲۰۰۵: ۲). نابرابری های منطقه ای از مسایل عمده و نگران کننده در بیشتر بخش های جهان است (دوپونت^۳، ۲۰۰۷: ۱۹۳). هر جامعه ای خواه پیشرفته و توسعه یافته و خواه ساده و توسعه نیافته، جلوه های کم و بیش مشترکی از نابرابری در شرایط زندگی اجتماعی را به نمایش می گذارد (طهماسبی و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۱). کشور ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. گرچه در دوره بعد از انقلاب اسلامی گام هایی در جهت توسعه مناطق مختلف کشور برداشته شده است، ولی ارزیابی شاخص های مختلف توسعه نشان می دهد که هنوز شکاف و نابرابری بین مناطق و استان های مختلف کشور زیاد است. به طوری که در سال ۱۳۸۳ در ۱۵ شاخص از ۲۶ شاخص، امتیاز توسعه یافته ترین استان بیش از سه برابر امتیاز پایین ترین استان در این ۱۵ شاخص و در ۵ شاخص نیز امتیاز توسعه یافته ترین استان بیش از دو برابر امتیاز پایین ترین استان در این ۵ شاخص بوده است. بیشترین نابرابری و شکاف را از نظر شاخص های توسعه می توان بین استان های حاشیه ای و مرکزی مشاهده کرد (راستی و رحیمی، ۱۳۸۷: ۱۵۲). طبق گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، ایران در بین کشورهای مختلف جهان در سال ۲۰۱۴ با نمره ۳/۳۸ در ضریب جینی در رتبه ۶۸ جهان قرار دارد (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، ۲۰۱۴). وجود تبعیض در بین زنان و مردان نیز یکی دیگر از مصداق های نابرابری در جامعه ایران است (صالحی فر، ۱۳۸۷: ۴). ایران با نمره ۰/۵۱۰ در شاخص نابرابری جنسیتی^۴ در رتبه ۱۰۹ در میان ۱۵۲ کشور جهان جای گرفته است. از نظر رفاه اجتماعی، شاخص های توسعه انسانی (HDI)^۵ سازمان ملل نشان می دهد که ایران در زمینه شاخص توسعه انسانی با نمره ۰/۷۴۹ از میان ۱۸۷

۱. lees

۲. Kanbur & Venables

۳. Dupont

۴. Gender Inequality Index

۵. Human Development Index



کشور در سال ۲۰۱۴، رتبه ۷۵ جهان را داراست و نسبت به سال گذشته دو رتبه نزول داشته است (گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، ۲۰۱۴).

از سویی دیگر یکی از مسایل مهم کشورها امنیت است. امنیت از مهم ترین و بنیادی ترین نیازهای انسان است و در بسیاری از نظریه ها، از جمله نظریه های فروم، آلپورت، هورنی، مازلو، لینگ، مورز، لوه، لوچانی، ولفرز، بوزان، ماندل و... به عنوان یکی از مهم ترین و بنیادی ترین نیازهای انسان به آن اشاره شده است (دلاور و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۰-۴۹). امنیت از جمله مباحثی است که در سال های اخیر مورد توجه محافل علمی و پژوهشی قرار گرفته و دلیل آن هم نقش قابل توجه مقوله امنیت در تهدید و یا تقویت زیرساخت های پیشرفت یک اجتماع است. از همین رو است که تمامی اندیشمندان و محققان از امنیت به عنوان نخستین نیاز اجتماع یاد کرده و مسئولان را به تأمین و ایجاد آن توصیه نموده اند (رودانی و دیگران، ۱۳۹۰: ۹۹). عوامل کاهش دهنده امنیت پدیده ای خارج از مرزهای ملی یا جوامع نیست، بلکه عوامل ایجاد عدم امنیت را باید در درون جوامع و در سازوکار نظام های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جستجو کرد. بنابراین هر عاملی که فضای اقتصادی، بهداشتی، زیست محیطی، سیاسی، غذایی، فردی و ارتباطی شهروندان را تهدید کند؛ می تواند زمینه ساز مسایل و مشکل هایی باشد که امنیت را در معرض مخاطره قرار دهد. یکی از این عوامل، نابرابری های منطقه ای است. نابرابری های منطقه ای در تمام شکل ها و سطوح آن می تواند پیامدهای ناگواری را به همراه داشته باشند (پاسیون^۱، ۲۰۰۵: ۲۹۱). هر چه میزان نابرابری یک جامعه بیشتر باشد به موازات آن نرخ جرم، جنایت و آسیب های اجتماعی افزایش و ضریب امنیت کاهش می یابد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که یکی از پیامدهای نابرابری در جامعه کاهش امنیت است. وجود نابرابری در جامعه، نابسامانی های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی زیادی از جمله بیکاری، فقر، حاشیه نشینی، مهاجرت روستاییان به شهر و به هم خوردن ساختار جمعیتی، فرار مغزها، کاهش اعتماد، کاهش مشارکت، کاهش وجدان اخلاقی و تعهد کاری، کاهش انسجام اجتماعی، کاهش وحدت و یکپارچگی ملی (شنکر و شاه^۲، ۲۰۰۳)، زیر سؤال رفتن دموکراسی، تضعیف مشروعیت سیاسی دولت، افزایش الکلیسم و اعتیاد، طلاق، خشونت و پرخاشگری، کودکان خیابانی، تکدی گری، فحشاء، سرقت، فساد مالی و اداری، رشوه و ارتشاء و... را در جامعه در پی دارد. افزایش نابرابری باعث افزایش جرایم و آسیب های اجتماعی به عنوان

۱. Pacione

۲. Shankar & Shah

یکی از ابعاد ناامنی می شود. مثلاً تحقیق های شیهاده و فلین^۱ و پارکر و ریتان^۲ نشان داده نابرابری های اجتماعی و اقتصادی یکی از عوامل مهم آدم کشی است. زیرا افراد فقیر برای فقر خود، مردم دیگر و اغلب ثروتمندان را مقصر می دانند و در برخوردهای خود و دیگران از خشونت استفاده می کنند (شیهاده و فلین، ۱۹۹۶؛ پارکر و ریتان، ۱۹۹۵). انگیزه سرقت، اغلب محرومیت نسبی و احساس سرخوردگی از شکست در تحقق انتظارات در طبقات پایین جامعه است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۹۷ به نقل از کانکلین، ۱۹۷۲). در سال های رفاه اقتصادی، دارایی طبقات متوسط و بالا افزایش می یابد و این باعث می شود آنها به نمایش بیشتر دارایی های خود پردازند. این نمایش باعث سرخوردگی و احساس محرومیت طبقات پایین می گردد و باعث می شود طبقات پایین برای جبران محرومیت خود دست به سرقت بزنند (جانستون^۳، ۱۹۹۷). از دیدگاه رویکرد تضاد سوء مصرف مواد مخدر واکنشی است به نابرابری های موجود در نظام سرمایه داری (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۲۰۱). وندنبرگ^۴ نیز یکی از دلایل خشونت خانوادگی را فقر می داند (وندنبرگ، ۲۰۰۴). فیکر^۵ نیز هرگونه ناهنجاری را مقدمه ناامنی به شمار آورده است (فیکر و هربرت، ۱۹۷۱: ۳۳۴).

بنابراین می توان گفت برای وقوع امنیت در جامعه پیش شرط هایی وجود دارد که یکی از این پیش شرط ها، وجود برابری در جامعه است. هر نظام اجتماعی که بخواهد تهدیدهای امنیتی را از بین ببرد باید فرصت های برابری را برای شهروندان در جامعه ایجاد کند، تا با جلب رضایت آنها مانع از بروز نابسامانی های اجتماعی شده و امنیت را تضمین نماید. نابرابری و امنیت در حال حاضر از مسائل مهم کشور محسوب می شوند و آسیب های امنیتی و نابرابری در کشور در حال افزایش است. توجه به مقایسه استان های کشور نشان می دهد که وضعیت استان های مختلف کشور از حیث امنیت و نابرابری به طرز چشمگیری متفاوت هستند. همین تفاوت های مشهود میان استان ها از لحاظ امنیت و نابرابری منطقه ای و میزان تأثیر نابرابری منطقه ای روی امنیت استان هاست که انگیزه اصلی تحقیق در این زمینه را به مثابه یک مسئله جامعه شناختی که نیازمند تبیین نظری است، فراهم کرده است.

۱. Shihadeh & Flynn

۲. Parker & Rethun

۳. Jahnston

۴. Vandenburgh

۵. Ficker



۵

در تحقیق های اقتصاددانان در مورد نابرابری بیشتر به بررسی نابرابری در بعد اقتصادی، بالاخص نابرابری درآمدی (ضریب جینی)^۱ و در تحقیق های جغرافیدانان بیشتر به رتبه بندی مناطق از نظر نابرابری پرداخته شده است. همچنین ماهیت بیشتر تحقیق ها و مقاله های منتشر شده در مورد امنیت ناظر به امنیت ملی یا احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در سطح خرد بوده است. در این تحقیق ها فقط به انگیزه های فردی پرداخته شده و به وجه عینی امنیت در سطح کلان کمتر اشاره شده است. در تحقیق هایی که به بررسی امنیت در سطح کلان پرداخته اند فقط به بعد سلبی امنیت کلان یعنی جرایم و آسیب های اجتماعی پرداخته شده و از منظر نابرابری منطقه ای به مسأله امنیت عینی در هر دو بعد سلبی و ایجابی (کیفیت و رفاه زندگی) توجهی نشده است. در زیر به تعدادی از تحقیقاتی که در مورد موضوع مقاله انجام گرفته اند اشاره می شود.

مداح (۱۳۹۰) در تحقیقی با عنوان «تحلیل اثر فقر و نابرابری درآمدی بر جرم (سرقت) در سطح استان های کشور» به بررسی اثر فقر و نابرابری درآمدی بر جرم سرقت (به عنوان بعد سلبی امنیت) پرداخته است. یافته های تحقیق بیانگر اثر مثبت و معنادار نابرابری درآمدی بر نرخ جرم در سطح استان های کشور بوده است. تحقیق دیگر توسط شهبازی و دیگران (۱۳۹۰) با عنوان «بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت اجتماعی» انجام گرفته است. این محققان از میزان جرایم به عنوان شاخص امنیت و از متغیرهای شاخص فلاکت (شامل تورم و بیکاری)، رشد تولید ناخالص ملی و ضریب جینی (نابرابری منطقه ای) در ایران طی سال های ۱۳۸۸-۱۳۵۳ به عنوان عوامل اقتصادی استفاده کرده اند. این محققان نتیجه گرفته اند که با افزایش شکاف درآمدی (ضریب جینی)، بیکاری و تورم بعنوان شاخص فلاکت در برخی سال ها، میزان جرایم در آن سال ها افزایش یافته است و در نتیجه از امنیت اجتماعی کاسته شده است. به سخن دیگر بین نابرابری و امنیت اجتماعی رابطه معکوس وجود داشته است. در تحقیق مهرگان و گرشاسبی فخر (۱۳۹۰) با عنوان «نابرابری درآمد و جرم در ایران» یافته ها نشان می دهد بین جرم و توزیع درآمد (با استفاده از دو معیار نابرابری درآمد) رابطه وجود دارد. یعنی با تشدید نابرابری بر تعداد جرایم از نوع سرقت افزوده می شود و با افزایش درآمد ماهیانه خانواده ها نرخ سرقت کاهش می یابد. تحقیقی با عنوان «بررسی و تحلیل تأثیر نابرابری ها بر امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلان شهر مشهد» توسط اعظمی و روستا

۱. Gini Coefficient

(۱۳۹۱) انجام پذیرفته است. در این تحقیق وجود نابرابری مهم ترین منبع تهدید امنیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی شمرده شده‌اند. تحقیق دیگر توسط نصیری و اعظمی (۱۳۸۵) با عنوان «نابرابری‌های شهری تهدیدی برای امنیت اجتماعی تهران؛ رویکردی در جغرافیای سیاسی» انجام گرفته است. محققان در پایان تحقیق نتیجه گرفته‌اند که نابرابری و محرومیت شهری، خطری مستقیم برای امنیت اجتماعی به شمار می‌آید.

یافته‌های مسنر و تردیف^۱ (۱۹۸۶) در کشور کانادا نشان داده رابطه مثبت معناداری بین نابرابری در آمد و نرخ جرم وجود دارد. بورگینون و دیگران^۲ (۲۰۰۲) در تحقیق خود با عنوان «چه بخشی از توزیع در آمد برای توضیح جرم و جنایت مهم است؟ مورد نمونه کلمبیا» نشان داده‌اند که مجرمان در کلمبیا در خانواده‌هایی یافت می‌شوند که درآمدهای خیلی کمی (= نابرابری) دارند. یعنی دارای درآمدی زیر ۸۰ درصد در آمد متوسط جامعه هستند. همچنین در تحقیق کلی^۳ (۲۰۰۰) با عنوان «نابرابری و جرم» اثر نابرابری بر جرم تأیید شده است. سانچز^۴ و دیگران (۲۰۰۲) در تحقیقی با عنوان «تضاد، جرم‌های خشونت آمیز و فعالیت‌های جنایی در کلمبیا» به بررسی عوامل اقتصادی روی جرم پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان داده است نابرابری‌های اقتصادی یکی از عوامل در ارتکاب جرایم به ویژه جرایم علیه اموال است. براش^۵ (۲۰۰۷) در مقاله‌ای با طرح این سؤال که آیا نابرابری در آمدی منجر به افزایش جرم می‌شود یا خیر؟ رابطه میان نابرابری و جرم را در آمریکا بررسی و تحلیل کرده است. وی نرخ جرم را به عنوان تابعی از ضریب جینی درصد افراد فقیر، درصد افراد پردرآمد، میزان جمعیت، تراکم جمعیت، درصد جمعیت جوان، نرخ بیکاری و درصد سیاهپوستان معرفی می‌کند و پس از تخمین تابع مربوطه در دو حالت داده‌های مقطعی در سال ۲۰۰۰ و تفاضل اول متغیرها در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰ نتیجه می‌گیرد رابطه مثبت و معناداری میان نابرابری و نرخ جرم در داده‌های مقطعی وجود دارد. چو^۶ (۲۰۰۸) در مقاله «نابرابری در آمد و جرم در آمریکا» با استفاده از داده‌های تلفیقی از ۵۰ ایالت آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۵ به دنبال بررسی رابطه میان انواع جرم و نابرابری می‌باشد. به این منظور او

۱. Messner & Tardiff

۲. Bourguignon

۳. Kelly

۴. Sanchez

۵. Brush

۶. Choe



لگاریتم جرم را به صورت تابعی از لگاریتم هر یک از متغیرهای توضیحی ضریب جینی، سطح درآمد، نرخ بیکاری، سطح آموزش، سن، نژاد و فقر معرفی می کند و پس از تخمین تابع نتیجه می گیرد رابطه مثبت و معناداری میان نابرابری درآمد و هریک از جرایم خشونت، تجاوز و سرقت وجود دارد. به طوری که با افزایش یک درصد نابرابری، جرم خشونت ۰/۶۹، تجاوز ۱/۳۹ و سرقت ۰/۴۸ افزایش می یابد. در تحقیق دهلبرگ و گوستاوسون^۱ (۲۰۰۸) با عنوان «نابرابری و جرم» به بررسی تأثیر نابرابری درآمدی دائمی و موقتی بر روی جرم پرداخته شده است. یافته های این محققان نشان داده است که افزایش نابرابری درآمد دائمی بر روی جرم اثر مثبت معناداری دارد، ولی افزایش نابرابری درآمد موقتی اثر معناداری روی افزایش جرم در جامعه ندارد.

مبانی و چارچوب نظری

در این قسمت به بررسی تعدادی از نظریه های اندیشمندان در مورد امنیت پرداخته می شود.

جامعه شناسی امنیت از حیث ساختاری به میزان زیادی مدیون کارل مارکس^۲ است (مک سویینی، ۱۳۹۰: ۱۶). مارکس امنیت را به دفع خطرها و آسیب ها به منظور استمرار بقاء و حیات بشر و بهبود شرایط زندگی در نظر می گیرد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۰). بر مبنای نظر مارکس وقتی نیروهای تولیدی از خطرها و آسیب ها مصون بمانند، برخوردار از امنیت اجتماعی خواهند بود. از نظر او حمایت از نیروهای تولید و برخورداری آنان از امنیت شغلی می تواند تأمین کننده امنیت در جامعه باشد، به گونه ای که وقتی اعضای جامعه برای تأمین مایحتاج خود هراس و اضطرابی نداشته باشند، جامعه بهره مند از امنیت خواهد بود (غفاری، ۱۳۹۲: ۵۱-۵۰). از دیدگاه مارکسیستی، نابرابری، بی عدالتی و تبعیض از عوامل اختلال زا در امنیت هستند. نظریه های نئو مارکسیستی با بهره گیری از سازه هایی چون تضاد، نابرابری، استیلا و خشونت در پی تبیین بی نظمی و ناامنی هستند (همان: ۱۳۵).

تالکوت پارسونز^۳ جامعه را به خرده سیستم هایی تقسیم نموده که هر کدام دارای کارکردی خاص هستند و میزان توانمندی آنان در ایفای کارکردها، عامل دوام و بقای جامعه است و بالعکس، به میزان کاستی در انجام کارکردها، به انسجام و یگانگی (و در نتیجه امنیت) جامعه خدشه وارد شده و خطر فروپاشی و زوال، آن

۱. Dahlberg & Gustavsson

۲. Karl Marx

۳. Parsons

را تهدید می نماید (ریتزر و گودمن، ۱۳۹۰). از دید او امنیت اجتماعی با حفظ و ادامه توانایی نهادهای جامعه برای انجام وظایف کارکردیشان فراهم می شود. وقتی خرده نظام‌ها به ایفای نقش‌های خویش پرداخته و آسیبی متوجه آنان نباشد، یا امکان کسب فرصت برای انسجام خرده نظام‌ها فراهم باشد، امنیت اجتماعی برقرار شده است. پارسونز برای امنیت اجتماعی چهار بعد قائل است و هر کدام مربوط به یک خرده نظام جامعه هستند. امنیت مالی و اقتصادی، سیاسی، حقوقی و قضایی و فرهنگی به ترتیب در نظام فکری پارسونز ضروری بوده و هر یک از جایگاه خاصی برخوردارند. فقدان هر یک از این ابعاد امنیت، روند سایبرنتیکی را دچار اختلال نموده، دنیای کارکردها را مختل و جامعه را در کلیت خود دچار عدم تعادل و پریشان حالی می کند (نویدینیا، ۱۳۸۲: ۸۰-۷۹). از دیدگاه پارسونز امنیت جامعه را که با حفظ و ادامه توانایی نهادهای جامعه برای انجام وظایف کارکردهایشان فراهم می شود، می توان «امنیت کارکرد» نامید. یعنی امنیت جامعه با ایجاد و حفظ شرایطی ممکن است که هر یک از نهادهای جامعه بتوانند کارکرد خود را انجام داده و به انسجام جامعه تحقق بخشند. خطر و ناامنی معلول شرایطی است که اختلال در ایفای کارکرد خرده سیستم‌های جامعه بوجود آمده باشد. از نظر او مهم‌ترین بعد امنیت اجتماعی، امنیت فرهنگی است که خرده نظام‌های اجتماعی به آن احتیاج دارند (ترنر، ۱۳۷۳: ۸۱). در نظریه پارسونز، یکی از عوامل عمده افزایش ناهنجاری‌ها که مخل امنیت جامعه است، بیکاری و نرخ افزایش آن، عدم امنیت شغلی و اطمینان از تأمین مخارج زندگی است (نویدینیا، ۱۳۸۵: ۴۷).

نظریه آنومی رابرت مرتون^۱ بر نظم اجتماعی متمرکز بوده و تأثیر ساخت‌های هنجاری را بر افراد مورد بررسی و تبیین قرار می دهد. وی معتقد است که مقادیر جرم و انحراف و عدم امنیت را می توان از طریق بررسی ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه به دست آورد (بژرگارد و کوکران^۲، ۲۰۰۸: ۳۱). به نظر مرتون دو عنصر مهم در ساختار اجتماعی عبارتند از: اهداف مقبول اجتماعی و وسایل مقبول اجتماعی دستیابی به این اهداف که جامعه در اختیار فرد قرار می دهد. در یک جامعه منظم، اهداف و وسایل اجتماعی در هماهنگی و تطابق قرار دارند. ناهماهنگی در نظم اجتماعی زمانی به وجود می آید که بر اهداف یا وسایل تأکید ناموزونی شود. به نظر او آنومی و بعضی از اشکال رفتارهای ناهنجار، ناشی از جدایی بین هدف‌های نهادی شده فرهنگی یک جامعه و راه‌های ساخته شده اجتماعی برای رسیدن به آن

۱. Robert Merton

۲. Bjerregaard & Cochran



هدف‌ها است (گارفیلد^۱، ۱۹۸۷: ۳۸۳). به اعتقاد مرتون اگر در جامعه‌ای کارکرد این دو عنصر اساسی (یعنی بین اهداف و وسایل نیل به اهداف) با هم هماهنگ باشد، در آن جامعه نظم وجود دارد، اما اگر این هماهنگی نباشد، یعنی بین فرهنگ و اجتماع از لحاظ کارکردی ناهماهنگی پیش بیاید، آنگاه شاهد رواج انحراف خواهیم بود... ناسازگاری میان اهداف و وسایل از طریق ایجاد بی‌هنجاری منجر به بروز اختلال در نظم اجتماعی می‌شود و عدم امنیت و بی‌هنجاری فرهنگی بر جامعه سایه می‌افکند. بنابراین مرتون فقدان امنیت در یک جامعه را مساوی با بی‌نظمی اجتماعی و بروز رفتارهای انحرافی قلمداد می‌کند و این حالت را ناشی از شکاف بین اهداف و هنجارهای فرهنگی و ظرفیت‌های ساختار اجتماعی برای نیل به موفقیت می‌داند. در مجموع وجود بی‌قانونی، بی‌اهمیت شدن مقررات، عدم یکپارچگی، رهایی کامل فرد و بالاخره انحرافات و کجروی‌های اجتماعی همگی نشانه‌های چنین حالتی در جامعه هستند (بودون و بوریکو، ۱۳۸۵: ۶۶۱).

از نظر آنتونی گیدنز، امنیت را می‌توان موقعیتی خواند که در آن با یک رشته خطرهای خاص، مقابله شده و یا به حداقل رسانده شده باشند. تجربه امنیت به تعادل، اعتماد و مخاطره بستگی دارد. امنیت چه به معنای بالفعل و چه به معنای تجربی آن، ممکن است به انبوه‌ها یا مجموعه‌هایی از آدم‌ها تا حد امنیت جهانی و یا به افراد ارتباط داشته باشند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۴۴). به این ترتیب گیدنز مصونیت در برابر خطر را امنیت می‌داند. در نظر وی، خطر و امنیت دو روی یک سکه را تشکیل می‌دهند، به گونه‌ای که وقتی روی امنیت در دست است، خطر حداقل است و به عکس زمانی که با خطر دست و پنجه نرم می‌کنیم، امنیت مغشوش و پنهان است. بنابراین گیدنز دو وجه از زندگی را در راستای دو وجه از امنیت طرح می‌کند. امنیت در وجه عینی به شیوه زندگی نظر دارد، یعنی امکان زندگی برای تمامی افراد به گونه‌ای که در جوامع مدرن تعریف می‌شود، فراهم گردد و افراد جامعه از سطح قابل قبولی برای گذران زندگی و انتخاب شیوه زندگی بهره‌مند باشند. اما امنیت در وجه ذهنی به خشنودی و رضایت فرد از خویش نظر دارد که با نحوه انتخاب راه و روش زندگی وی محقق می‌شود (صالحی امیری و افشاری نادری، ۱۳۹۰: ۶۰-۵۹).

سرمایه از نگاه پی‌یر بوردیو^۲ فقط شامل ثروت و سرمایه مادی نیست. سرمایه هر نوع قابلیت، مهارت و توانایی انتسابی یا اکتسابی است که فرد می‌تواند در روابط خود با سایر افراد و گروه‌ها برای پیشبرد موقعیت خود از آن بهره‌برد. او

۱. Garfield

۲. Bourdieu

چهار نوع سرمایه را از هم تفکیک کرده است: سرمایه اقتصادی که ثروت و پول در دست هر کشگر اجتماعی است. سرمایه اجتماعی که به میزان و کیفیت ارتباط با افراد و گروه‌های اجتماعی مختلف و مشارکت در آنها بستگی دارد، البته به نحوی که بتوان جهت پیشبرد اهداف فردی و جمعی از این ارتباطات بهره برد. سرمایه فرهنگی که مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و کیفیت‌های فکری و قابلیت است که به فرد امکان برخورداری از جایگاهی والاتر در جامعه می‌بخشد. این نوع سرمایه ممکن است در طی زندگی از طریق محیط خانوادگی و یا از طریق تحصیلات کسب گردد. مانند توانایی خوب صحبت کردن در جمع یا داشتن مدارک تحصیلی. و در انتها سرمایه نمادین که در حقیقت بخشی از سرمایه فرهنگی است. این نوع سرمایه به بحث ارزش‌گذاری مربوط می‌شود که شامل کاربرد نمادهایی است که فرد یا گروه به کار می‌گیرند تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشند. حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها از جمله این ابزارهای نمادین به حساب می‌آیند (بورديو، ۱۹۸۶). او انواع سرمایه را منبع امنیت می‌داند و فقدان سرمایه را مساوی با فقدان امنیت می‌داند. زیرا سرمایه، قدرت به بار می‌آورد، افراد را از خطرات مصون می‌کند، حمایت و پشتیبانی می‌کند و دستیابی به انتظارات را فراهم می‌کند.

از نظریه‌های دیگری که به موضوع امنیت پرداخته است، نظریه نیازهای سلسله مراتبی آبراهام مازلو^۱ است. مازلو نیازهای انسان را در پنج دسته تقسیم می‌کند که عبارتند از: نیاز جسمانی (زیستی)، نیاز ایمنی، نیاز تعلق و عشق، نیاز احترام و نیاز خودشکوفایی. به نظر مازلو این نیازها خصلت سلسله‌مراتبی داشته و در اکثر افراد، تا نیازهای سطوح پایین برآورده نشوند، چنان‌ارگانیزم را درگیر خود می‌کنند، که امکان پرداختن به نیازهای سطح بالاتر کاهش می‌یابد (مازلو، ۱۳۷۲: ۱۰۱). در سلسله مراتب نیازهای مازلو، نیاز به امنیت و ایمنی در مرتبه دوم قرار دارد و مواردی چون امنیت، ثبات، وابستگی، حمایت، رهایی از ترس و نگرانی و آشفتگی، نیاز به سازمان و نظم و قانون، داشتن حامی مقتدر و نظایر آن را شامل می‌شود. اگر نیازهای جسمانی به طور نسبی برآورده شوند، این نیازهای جدید ظاهر می‌شوند. نیازهای ایمنی، می‌توانند مانند نیازهای جسمانی کاملاً برارگانیزم مسلط شوند. آنها، می‌توانند بعنوان سازمان دهندگان تقریباً انحصاری رفتار با به خدمت گرفتن همه قابلیت‌های ارگانیزم عمل کنند. در این شرایط، ارگانیزم، صرفاً به دنبال ایمنی است (همان: ۷۸-۷۷ و ۷۶). وقتی نیازهای زیستی برطرف شد نیازهای ایمنی ظاهر

۱. Maslow

می شوند و رفتارهایی را بر می انگیزند که آنها را ارضاء خواهند کرد. نیازهای ایمنی فرد را به این فکر و می دارند که مصونیت فعلی و آینده خود را تضمین کند. مثلاً او سعی می کند در سازمانی که کار می کند برای خود امنیت شغلی فراهم آورد، طرح های بیمه و برنامه های بازنشستگی معتبر، محیط کاری راحت و سازمان یافته، منظم و اطمینان بخش تدارک ببیند. همچنین فرد می خواهد که خود را در مقابل بی عدالتی مصون بدارد. به آزادی گروه ها و انجمن ها اهمیت بدهد و حقوقی دریافت کند که او را از محرومیت دور نگه دارد. در واقع فرد سعی می کند که خود را از هر نوع خطر، تهدید یا محرومیت محافظت کند. با این همه تا زمانی که فرد در موقعیت وابستگی قرار نگیرد و درباره محرومیت های احتمالی تردید نکند، احساس نخواهد کرد که به امنیت نیاز دارد. آنچه که او آرزو می کند این است که همه شانس ها در اختیارش باشند. اگر باور کند که موفق شده است، بیشتر تمایل خواهد داشت که با خطرها روبرو شود. اما اگر تهدید احساس کند یا خود را در حالت وابستگی ببیند اولین نیاز او، نیاز به تضمین مصونیت و ایمنی خواهد بود (گنجی، ۱۳۸۴: ۶۶-۶۵).

اندیشمندان مختلفی از جمله لیندستروم^۱ و همکاران، ۲۰۰۳؛ پاتنام، فوکویاما^۲، کلمن، و پیر بوردیو^۳ سرمایه ی اجتماعی را عامل مهمی در جامعه می دانند. در آثاری که به سرمایه اجتماعی پرداخته شده، توجه کمتری بر نقش آن در کاهش امنیت شده است. بر اساس نظریه سرمایه ی اجتماعی، اگر نهادها و سازمان های مختلف در جامعه وجود داشته باشد، احتمال این که مردم، هنجارهای اجتماعی را رعایت کنند افزایش می یابد (فرگوسن و مندل، ۲۰۰۷: ۲۲). بر اساس نظریه شبکه های حمایت اجتماعی^۴، افزایش شبکه های حمایت اجتماعی منجر به افزایش میزان رضایتمندی و همچنین باعث افزایش کارایی جمعی می شود. همچنین حمایت اجتماعی می تواند تأثیر مثبتی بر روی انجام اقدام های پیشگیرانه داشته باشد. بر اساس این نظریه، افرادی که از حمایت شبکه های اجتماعی برخوردارند، اقدام به سازوکارهای ایمنی برای خود و نزدیکانشان در برابر جرم می کنند. همچنین نهادهای محلی کنترل اجتماعی مانند پلیس، می توانند ساکنان را ترغیب نمایند تا با کمک یکدیگر، از میزان جرم و نیز میزان احساس ناامنی ناشی از آن را کاهش دهند (فرگوسن و مندل، ۲۰۰۷: ۵).

۱. Lindstrom

۲. Fukuyama

۳. Pierre Bourdieu

۴. Social Support Networks

براساس نظریه نیاز انسانی، امنیت زمانی حاصل می شود که نیازهای اساسی انسان برآورده شود. در غیر این صورت انسان با ناامنی روبرو می شود (چسمن و کتل^۱، ۱۹۹۰: ۱۶۰-۱۷۵). در نظریه نیازها، امنیت منحصر به فرد نیست، بلکه شامل صیانت و حراست از زندگی مردم و حفاظت از جان و مال و کلیه شئون زندگی انسان در برابر مخاطراتی است که آسودگی را از آنها سلب می کند و ترس و بی اطمینانی را جایگزین می نماید. براساس نظریه نیاز انسانی یکی از نیازهای انسانی عدالت توزیعی و برابری است. هنگامی که نیازهای اساسی انسان برآورده نشود، انسان با ناامنی و عدم امنیت مواجه می شود.

مباحث مربوط به امنیت به صورت منسجم و علمی برای اولین بار توسط مکتب کپنهاگ و اندیشمندان آن از جمله باری بوزان^۲، ال ویور^۳، لمیتر^۴، دووید^۵ و مولر^۶ مطرح گردید. این اندیشمندان مرجع اصلی امنیت اجتماعی را ارزش های سنتی و از پیش موجود گروه های اجتماعی می دانند (ویور، ۱۹۹۳: ۱۰). این مکتب به عینی بودن صرف امنیت معتقد نبوده و اعتقاد به دخیل بودن تصورات ذهنی در آن دارد. صاحب نظران مکتب کپنهاگ، امنیت را در دو بعد عینی و ذهنی مطرح می کنند (بوزان، ۱۹۹۸: ۱). از نظر بوزان زمانی امنیت اجتماعی مطرح خواهد شد که نیروی بالقوه یا بالفعلی به عنوان تهدیدی برای هویت افراد جامعه وجود داشته باشد (نویدنیا، ۱۳۸۲: ۴۷). او امنیت اجتماعی را با قابلیت ها و توانمندی های یک جامعه در راستای حفاظت از الگوهای سنتی، زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی شاخص سازی کرده است. وی حفاظت از عناصر اصلی انسجام اجتماعی را شرط تحقق امنیت برای بقاء و تداوم جامعه می داند. مجری امنیت اجتماعی از نظر بوزان، گروه های قومی، مذهبی و زبانی بزرگ هستند که در تعامل یا تقابل دولت ملی می باشند (همان: ۶۵). در آراء بوزان حوزه ای از حیات که فرد خود را به واسطه مفهوم «ما» بدان متعلق می داند و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می کند مورد نظر است. بنابراین هر عامل و پدیده ای که باعث ایجاد اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضا یک گروه گردد، در واقع هویت آن گروه را به مخاطره انداخته و تهدیدی برای امنیت اجتماعی آن قلمداد می گردد (بوزان، ۲۰۰۰: ۳). به نظر اُل

۱. Cheeseman & Kattle

۲. Barry Buzan

۳. Ole Weaver

۴. Lemaiter

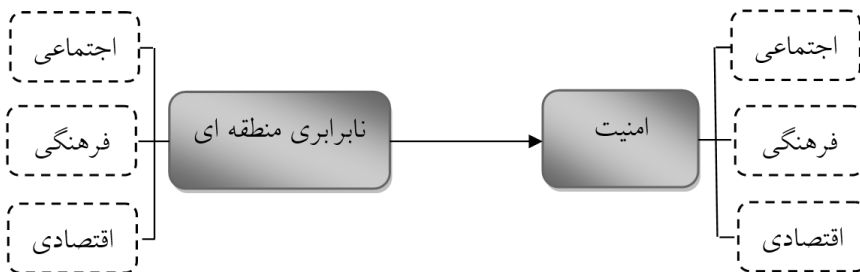
۵. Wild De

۶. Moller

ویور نظریه پرداز دیگر این مکتب، امنیت اجتماعی معطوف به هویت است که فی نفسه مقوله ای است بسیار مهم، چون هویت اجتماعی در هر حال وجود دارد، چه دولت باشد چه نباشد (نصری، ۱۳۸۱: ۱۲۶). ویور امنیت ساخته و پرداخته شده در اجتماع را مطرح می کند. مدعای وی آن است که باید از رویکردی جامعه شناسانه به امنیت نگریسته شود و پس از تحلیل مبانی جامعه شناختی امنیت، به تعریف آن همت گمارد (مک کین لای و لیتل، ۱۳۸۰: ۴۸). بر این اساس، ویور حوزه امنیت را بر حسب نوعی دوگانگی امنیت دولت و امنیت اجتماعی در نظر می گیرد (روی، ۱۹۹۶: ۱۱). بوزان و ویور معتقدند که امنیت کاملاً برساخته تصور آدمیانی است که در اجتماع زندگی می کنند. آن ها همچنین عنصر هویت را وارد مطالعه خود می کنند و قائل به توزیع مادی قدرت نیستند و به مؤلفه های فرامادی هم می اندیشند (احمدی مقدم، ۱۳۸۹: ۱۳۷-۱۳۸). مولر^۱، صاحب نظر دیگر مکتب کپنهاک تأکید دارد که امنیت اجتماعی را می توان به عنوان یک مفهوم فرضی برای هر جمع انسانی بکار برد و عبارت است از: قابلیت حفظ شرایط قابل پذیرش داخلی برای تکامل الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، انجمن ها، مذهب، هویت ملی و رسوم (نویدینا، ۱۳۸۲: ۶۱). به عقیده مولر امنیت اجتماعی به عنوان موضوع هویت ایمن^۲ برای گروه های اجتماعی مانند ملت ها، گروه های قومی و مذهبی به شمار می آید (مولر، ۲۰۰۰: ۱۰).

مدل تحقیق

متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق در قالب مدل در شکل ۱ ارائه شده اند:



شکل ۱: مدل تحقیق

۱. Roe

۲. Moller

۳. Secured Identity

سؤال ها و فرضیه های تحقیق

سؤال های تحقیق

۱. توزیع امنیت عینی در بین استان های کشور چگونه است؟
۲. توزیع نابرابری در بین استان های کشور چگونه است؟
۳. کدام بعد امنیت عینی از کدام بعد نابرابری منطقه ای بیشتر متأثر است؟

فرضیه های تحقیق

۱. میزان نابرابری منطقه ای بر امنیت عینی در آن استان تأثیر دارد.
۲. میزان نابرابری منطقه ای بر میزان امنیت اجتماعی عینی استان تأثیر دارد.
۳. میزان نابرابری منطقه ای بر میزان امنیت فرهنگی عینی استان تأثیر دارد.
۴. میزان نابرابری منطقه ای بر میزان امنیت اقتصادی عینی استان تأثیر دارد.
۵. میزان نابرابری اجتماعی منطقه ای بر امنیت عینی در آن استان تأثیر دارد.
۶. میزان نابرابری فرهنگی منطقه ای بر امنیت عینی در آن استان تأثیر دارد.
۷. میزان نابرابری اقتصادی منطقه ای بر امنیت عینی در آن استان تأثیر دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

نابرابری منطقه ای

در این تحقیق نابرابری منطقه ای در سه بعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی سنجیده شده است. نابرابری اجتماعی^۱ به معنای کلی به تفاوت های میان افراد یا جایگاه هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده و افراد آن را اشغال کرده اند، اشاره می کند (زاهدی، ۱۳۸۵: ۳۹-۴۰). این تفاوت جایگاه یا موقعیت اجتماعی بر نحوه زندگی افراد به ویژه بر حقوق، فرصت ها، پاداش ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند، تأثیر دارد (گرب، ۱۳۷۳: ۱۰). برای عملیاتی کردن نابرابری اجتماعی منطقه ای از شاخص های^۲ زیر استفاده شد: نابرابری جنسیتی (نسبت اشتغال زنان به مردان، نسبت باسوادی زنان به مردان)؛ نابرابری قدرت (تعداد نمایندگان مجلس در استان)؛ نابرابری فضایی^۳ شهری و روستایی (نرخ باسوادی مناطق روستایی نسبت به مناطق شهری و نسبت متوسط درآمد سالیانه یک خانوار روستایی به یک خانوار شهری)؛ وضعیت بهداشت و پزشکی (شامل تعداد پزشک عمومی و متخصص،

۱. Social Inequality

۲. همه متغیرهای تحقیق در بررسی نابرابری منطقه ای و امنیت به ازای جمعیت (هزار نفر یا صد هزار نفر) و یا به ازای مساحت استان (مانند طول راه ها) یکسان سازی شدند.

۳. Spatial inequality

پیراپزشک، تعداد مؤسسات درمانی فعال و تعداد تخت آنها، تعداد مراکز بهداشتی درمانی فعال، تعداد خانه های بهداشت فعال روستایی، تعداد آزمایشگاه تشخیص پزشکی، تعداد داروخانه، تعداد مراکز توانبخشی) و سرانه عملکرد اعتبارات عمرانی استان در بخش های اجتماعی.

نابرابری فرهنگی^۱ توزیع ناعادلانه امکانات و فرصت های فرهنگی برای تمام شهروندان است (الیاسی، ۱۳۷۷: ۶). برای عملیاتی کردن نابرابری فرهنگی منطقه ای از شاخص های زیر استفاده شد: تعداد پذیرش دانشجو و تعداد دانشجو در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی، تعداد کتابخانه های عمومی و تعداد کتاب های آن ها، تعداد مراکز فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و تعداد کتاب های این مراکز، تعداد نمایشگاه کتاب، تعداد چاپخانه، تعداد سالن های سینما و میزان گنجایش (تعداد صندلی) آن ها، تعداد ایستگاه و فرستنده رادیویی و تلویزیونی و سرانه عملکرد اعتبارات عمرانی استان در بخش های فرهنگی.

نابرابری اقتصادی^۲ توزیع نابرابر ثروت در جامعه است، به گونه ای که تعداد اندکی از جامعه دارای ثروت زیاد و اکثریت جامعه دارای ثروت اندکی باشند. به سخن دیگر به شرایطی که در آن اعضای یک جامعه، درآمد، شأن و امکانات و فرصت های متفاوت اقتصادی داشته باشند، نابرابری اقتصادی می گویند. برای عملیاتی کردن نابرابری اقتصادی منطقه ای از شاخص های زیر استفاده شد: نسبت بیست درصد ثروتمندترین به بیست درصد فقیرترین افراد در مناطق شهری و روستایی، ضریب جینی مناطق شهری و روستایی، سرانه محصول ناخالص داخلی، نابرابری بخشی (بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات)، سرانه عملکرد اعتبارات هزینه ای (جاری) دستگاه های اجرایی از محل درآمدهای عمومی و سرانه عملکرد اعتبارات عمرانی استان در بخش امور اقتصادی.

امنیت

امنیت عبارت است از: تضمین و تأمین زندگی با ایجاد تدابیر و تمهیدات لازم.... امنیت پیلۀ حمایتی و محافظتی است که موجب آسودگی خیال و خاطر جمعی می شود (نویدنیان، ۱۳۸۸: ۵۸). لارونی مارتین^۳ امنیت را تضمین رفاه آتی و جان مورز^۴ رهایی نسبی از تهدیدهای زیانبخش می داند (بوزان، ۱۳۷۸: ۳۱). واژه

۱. Cultural Inequality

۲. Economical Inequality

۳. Martin

۴. Moorse

امنیت دارای دو معنای ایجابی و سلبی است. در گفتمان سلبی (منفی)^۱، امنیت با نبود تهدید تعریف می شود (نویدینیا، ۱۳۸۸: ۲۶). امنیت خلاصی در مقابل وجوه گوناگون خطرها تلقی می شود (همان: ۲۷-۲۶). در گفتمان ایجابی (مثبت)^۲، امنیت فقط به نبود تهدید تعریف نمی شود، بلکه علاوه بر نبود تهدید، وجود شرایط مطلوب برای تحقق اهداف و خواسته های جمعی نیز مد نظر است (همان: ۲۷). این وجه معطوف به خطر نیست. یعنی به بعد آرامش، اطمینان، آسایش بعنوان معنای امنیت تأکید می کند و به کیفیت زندگی و نوع و سطح برخورداری از زندگی توجه دارد (همان: ۲۸). در این گفتمان مؤلفه های کیفیت زندگی مورد توجه قرار می گیرد (مک سوینی، ۱۳۹۰: ۳). بنابراین امنیت عبارت است از: میزان کیفیت و رفاه زندگی - میزان جرائم و آسیب ها.

امنیت عینی در سه بعد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت.

الف) امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی^۳، به کیفیت رابطه بین جامعه و اعضایش اشاره دارد. آرامش و آسودگی خاطری است که جامعه برای اعضای خود ایجاد می کند و از وظایف و اهداف هر جامعه محسوب می شود (پوریان، ۱۳۸۹: ۱۶۸). برخی از محققان امنیت اجتماعی را در رابطه با جرائم و میزان وقوع آن ها و میزان مصونیت نسبی شهروندان از تعرض مجرمان تحلیل می کنند (جکسون^۴، ۲۰۰۶: ۲۵۴؛ کتابی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۶). آنچه امنیت اجتماعی را به وجود می آورد، خوی و خصال اعضای نظام های اجتماعی است (شفیعی و محقر، ۱۳۸۴: ۷).

برای عملیاتی کردن امنیت اجتماعی استان ها از شاخص های زیر استفاده شد: ضریب نفوذ بیمه، درصد افراد تحت پوشش بیمه، تعداد تلفن های همگانی مشغول به کار شهری و راه دور، تعداد کارگاه های خدمات اینترنتی، وضعیت توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات و شکاف دیجیتالی (فاوا)، درصد مساکن بادوام، درصد شهرنشینی، ضریب شیوع حوادث ناشی از کار، تعداد پاسگاه های پلیس راه، تعداد کلانتری ها و پاسگاه های انتظامی، تعداد پایگاه اورژانس، تعداد پایگاه هلال احمر، تعداد ایستگاه های آتش نشانی، طول خط راه آهن، طول جاده ها، تعداد وسایل نقلیه عمومی درون شهری، نسبت طلاق به ازدواج، تعداد تصادفات برون شهری و درون شهری، تعداد متوفیات و مصدومان ناشی از تصادف رانندگی، تعداد

۱. Negative Discourse

۲. Positive Discourse

۳. Societal Security

۴. Jackson



پرونده های قتل عمد و غیر عمد، ضرب و جرح و صدمه، تظاهر به چاقو کشی، مرگ های مشکوک، خودکشی موفق، آتش سوزی عمدی و تعداد دستگیر شدگان در ارتباط با مواد مخدر (شامل قاچاقچی و معتاد).

(ب) امنیت فرهنگی: عبارت است از: ایجاد وضعیتی مطمئن، آرامش بخش و خالی از هرگونه تهدید و تعرض در انسان، نسبت به دین، افکار، اخلاق، آداب و رسوم، باورها، ارزش ها، میراث فرهنگی، آثار ادبی و... به عبارت دیگر، مصونیت فرهنگ فرد و جامعه از هرگونه تعرض و تهدید را امنیت فرهنگی گویند (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ۵۶). برای عملیاتی کردن امنیت فرهنگی استان ها از شاخص های زیر استفاده شد: نرخ باسوادی، نسبت دانش آموز به کلاس، آموزشگاه، معلم و کارکنان دفتری و اداری، نسبت دانشجویان به کادر هیأت علمی و کارکنان غیر هیأت علمی در دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی و دانشگاه های آزاد، تعداد تماشاگران فیلم های سینمایی، تعداد تماشاگران تئاتر و موسیقی، تعداد بازدیدکنندگان نمایشگاه کتاب، تعداد اعضای مراکز فرهنگی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تعداد اعضای کتابخانه ها، تعداد عناوین کتاب های منتشر شده تألیفی و ترجمه ای، تعداد مرسولات پستی درون شهری، تعداد اجرای برنامه های تئاتر و موسیقی، تعداد دستگیر شدگان در ارتباط با ایجاد مزاحمت، زنان خیابانی، خانه های فساد، رابطه نامشروع، قمار و قمارخانه و تجاوز به عنف.

(پ) امنیت اقتصادی: عبارت است از: آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلا اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از برخورداری از ثمره فعالیت هایی که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت می گیرد (برومند و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۵). امنیت اقتصادی به معنی توانایی نظام اقتصادی برای حفاظت از مردم در برابر انواع فشارهای خارج از کنترل آنهاست (کتابی و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۶). یک جامعه را زمانی می توان از لحاظ اقتصادی ایمن دانست که ثبات در آن جامعه وجود داشته و خانوارها و بنگاه ها به عنوان مهم ترین نهادهای اقتصاد و بازار بتوانند در محیط رقابتی سالم و با میزان اطلاعات یکسان به بهینه سازی رفتار خود پردازند (سلمانی بی شک و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۵). برای عملیاتی کردن امنیت اقتصادی استان ها از شاخص های زیر استفاده شد: میزان تورم یک خانوار، سرانه میزان سپرده گذاری مردم در بانک ها، نرخ بیکاری جمعیت، نرخ بیکاری جمعیت فارغ التحصیل دوره های عالی، نرخ اشتغال، متوسط درآمد سالیانه یک خانوار، نسبت متوسط هزینه خوراکی و دخانی به کل هزینه های

۱. Cultural Security

۲. Economical Security

یک خانوار (ضریب انگل)، درصد خانوارهای ساکن در واحدهای استیجاری، تعداد مستمری بگیران سازمان بهزیستی، تعداد مددجویان کمیته امداد امام خمینی، تعداد پرونده‌های شکایت بین کارگران و کارفرمایان، نسبت کارکنان رسمی دولت به کل کارکنان دولت، تعداد پرونده‌های در ارتباط با سرقت، وقوع جعل، کلاهبرداری و اختلاس.

روش تحقیق

سطح تحلیل تحقیق، سطح کلان و واحد تحلیل استان می‌باشد. جامعه آماری تحقیق ۳۱ استان کشور می‌باشند. روش تحقیق، در این پژوهش، تحلیل ثانویه^۱ است. یکی از نکته‌های مهم در مسأله‌روایی (اعتبار)^۲ و پایایی (قابلیت اعتماد)^۳ در تحلیل ثانویه، بحث در مورد داده‌ها و منابعی است که مبنای تحلیل در این روش قرار می‌گیرند. یکی از جنبه‌های روایی و پایایی داده‌ها و اطلاعات، کیفیت گردآوری داده‌ها، شاخص‌ها و مقیاس‌هایی است که توسط پژوهشگران اولیه تولید شده و نیز مسأله استدلال منطقی و تکرار است (ببی، ۱۳۸۱؛ بیکر، ۱۳۸۱). گزارش‌های عمومی نفوس و مسکن و نیز سالنامه‌های آماری استان‌های مرکز آمار ایران، بیمه مرکزی ایران، بانک مرکزی ایران، معاونت اقتصاد و برنامه‌ریزی سازمان تأمین اجتماعی، نیروی انتظامی و قوه قضاییه به عنوان مهم‌ترین منابع در تولید داده‌های این تحقیق، بر اهمیت و اعتبار داده‌های پژوهش می‌افزایند. استدلال منطقی در این پژوهش نیز از طریق بررسی اعتبار نظری شاخص‌ها و مؤلفه‌ها از طریق منابع مطالعاتی مختلف بدست آمده است. مسأله تکرار نیز، بر اصل تعویض پذیری متغیرها استوار است. بر اساس این اصل اگر چندین متغیر مختلف تا حدی معرف یک مفهوم یا سازه باشند، آنگاه همه آن‌ها به همان شیوه‌هایی عمل خواهند کرد که آن مفهوم عمل می‌کند، مشروط بر اینکه آن مفهوم واقعی و قابل مشاهده باشد (ببی، ۱۳۸۱: ۲۵۹). بر این اساس در این پژوهش متغیرهای زیادی برای سنجش مفهوم امنیت و نابرابری منطقه‌ای در نظر گرفته شده (تعداد ۱۰۵ متغیر) و همین امر دلیل بر سنجش واقعی مفهوم مورد نظر بر طبق این اصل می‌باشد. اعتبار سازه‌ای پژوهش نیز از طریق تحلیل عاملی تأمین گردید. هر یک از متغیرهای کمی در سازه نابرابری منطقه‌ای و امنیت دارای مقیاس اندازه‌گیری خاص خود هستند. مثلاً مقیاس اندازه‌گیری شهرنشینی، درصد است، ولی مقیاس اندازه‌گیری تولید

۱. Secondary Analysis

۲. Validity

۳. Reliability

ناخالص داخلی، میلیون ریال است. بنابراین برای یکسان سازی مقیاس ها، از روش بی مقیاس سازی^۱ با روش بی مقیاس سازی خطی متغیرها استفاده شد. بعد از بی مقیاس سازی، به متغیرهای تحقیق وزن های مناسب داده شد. در نظر گرفتن وزن های مساوی برای متغیرها کارآمدی پیش فرض های پژوهشی و عوامل اعتبار بیرونی، به خصوص انطباق نتایج پژوهش با واقعیت های دنیای بیرونی و قدرت تعمیم پذیری نتایج را کاهش می دهد. بنابراین در این تحقیق برای وزن دهی^۲ به متغیرهای تحقیق از روش تحلیل عامل استفاده گردید. وزن های (w) بدست آمده از تحلیل عاملی برای هر یک از متغیرها، در مقادیر بی مقیاس شده متغیر (z) ضرب گردید (z*w) و مقدار نمره های عاملی^۳ بدست آمد. سپس این مقادیر با هم ترکیب^۴ شدند و شاخص ترکیبی امنیت عینی در استان ها ساخته شد. در سازه نابرابری نیز ابتدا وزن های (w) بدست آمده از تحلیل عاملی برای هر یک از متغیرها در مقادیر نرم شده متغیر (z) ضرب گردید (z*w)، سپس برای تعیین نابرابری منطقه ای از شاخص تغییرات نسبی استفاده شد. در مرحله بعد با جمع جبری ضرایب، شاخص ترکیبی نابرابری منطقه ای بدست آمد.

یافته های تحقیق

یافته های توصیفی

از لحاظ امنیت استان تهران دارای بالاترین میزان امنیت (رتبه یک) و استان خوزستان دارای کمترین میزان امنیت (رتبه ۳۱) در بین استان های کشور بوده است. همچنین از لحاظ نابرابری استان البرز دارای بیشترین نابرابری (رتبه یک) و استان های کهگیلویه و بویر احمد و یزد دارای کمترین نابرابری با توجه به جمعیت در بین ۳۱ استان کشور بوده اند. رتبه سایر استان های کشور در جدول ۱ آرایه شده است.

۱. Scale Less

۲. Weight Assignment

۳. Factor Score

۴. Compute

جدول ۱: رتبه امنیت و نابرابری منطقه‌ای استان‌ها

رتبه نابرابری	رتبه ابعاد امنیت			رتبه امنیت	استان	رتبه نابرابری	رتبه ابعاد امنیت			رتبه امنیت	استان
	اقتصادی	فرهنگی	اجتماعی				اقتصادی	فرهنگی	اجتماعی		
۲۴	۵	۹	۲۲	۸	فارس	۷	۱۴	۵	۲۵	۹	آذربایجان شرقی
۶	۱۱	۲۲	۸	۱۷	قزوین	۴	۸	۲۹	۳۱	۳۰	آذربایجان غربی
۱۷	۷	۸	۲۰	۵	قم	۸	۲۱	۱۲	۱۱	۱۴	اردبیل
۱۰	۲۰	۱۶	۱۹	۱۹	کردستان	۱۶	۱۷	۱۵	۲۹	۱۲	اصفهان
۱۱	۴	۴	۱۷	۱۳	کرمان	۱	۲	۳۱	۲۶	۲۷	البرز
۵	۲۶	۲۰	۲۷	۲۹	کرمانشاه	۲۵	۲۹	۱	۲	۳	ایلام
۳۱	۳۱	۲	۴	۱۰	کهگیلویه و بویر احمد	۲۶	۱۲	۱۳	۵	۷	بوشهر
۱۲	۹	۲۳	۲۱	۲۳	گلستان	۲۷	۱	۱۰	۱۲	۱	تهران
۱۸	۱۵	۲۴	۱۰	۲۲	گیلان	۲۲	۱۹	۱۱	۷	۱۱	چهارمحال و بختیاری
۲۱	۳۰	۱۸	۱۸	۲۸	لرستان	۲۸	۲۲	۳	۱	۲	خراسان جنوبی
۱۵	۱۰	۲۶	۱۵	۱۸	مازندران	۱۳	۲۵	۲۵	۲۳	۲۶	خراسان رضوی
۲۳	۲۷	۷	۲۸	۲۱	مرکزی	۲۰	۲۳	۱۷	۹	۲۰	خراسان شمالی
۳	۱۳	۳۰	۱۴	۲۵	هرمزگان	۱۹	۲۴	۲۷	۳۰	۳۱	خوزستان
۹	۳	۲۱	۱۶	۱۶	همدان	۱۴	۶	۱۴	۲۴	۱۵	زنجان
۳۰	۱۸	۶	۶	۴	یزد	۲۹	۲۸	۱۹	۳	۶	سمنان
						۲	۱۶	۲۸	۱۳	۲۴	سیستان

یافته‌های استنباطی

به منظور بررسی رابطه متغیرهای مورد بررسی از تحلیل رگرسیون خطی ساده استفاده گردید. اطلاعات جدول ۲ نشان می‌دهد میزان تأثیر نابرابری منطقه‌ای بر امنیت ۰/۶۲۳- است. علامت منفی بتا نشان دهنده رابطه معکوس بین متغیرهای نابرابری منطقه‌ای و امنیت است. یعنی هرچه نابرابری منطقه‌ای بیشتر شود، امنیت

کاهش می یابد و بالعکس. ضریب تعیین تعدیل شده بین این دو متغیر هم معادل ۰/۳۶۸ است. یعنی تقریباً ۰/۳۶ واریانس متغیر امنیت ناشی از نابرابری منطقه ای است.

جدول ۲: خلاصه مدل و ضرایب بین متغیرهای نابرابری منطقه ای و امنیت

دوربین واتسون	سطح معناداری	خطای معیار بر آورد	ضریب تعیین تعدیل شده	بتا	
۱/۵۳۴	۰/۰۰۱	۰/۰۶۷۵۷	۰/۳۶۸	-۰/۶۲۳	نابرابری منطقه ای

اطلاعات جدول ۳ بیانگر این مطلب است که میزان تأثیر نابرابریهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی منطقه ای بر امنیت به ترتیب ۰/۴۷۲-، ۰/۵۷۹- و ۰/۳۶۴- است. ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نابرابری منطقه ای به ترتیب ۰/۱۹، ۰/۳۱ و ۰/۱۰ از واریانس امنیت را تبیین می کنند. در میان ابعاد نابرابری منطقه ای، به ترتیب ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بیشترین تأثیر را بر امنیت داشته اند.

جدول ۳: خلاصه مدل و ضرایب بین ابعاد اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نابرابری منطقه ای و

متغیر امنیت

دوربین واتسون	سطح معناداری	خطای معیار بر آورد	ضریب تعیین تعدیل شده	بتا	
۱/۸۱۵	۰/۰۰۷	۰/۰۷۶۲۰	۰/۱۹۶	-۰/۴۷۲	نابرابری اجتماعی منطقه ای
۱/۵۰۹	۰/۰۰۱	۰/۰۷۰۴۷	۰/۳۱۲	-۰/۵۷۹	نابرابری فرهنگی منطقه ای
۱/۷۵۶	۰/۰۴۴	۰/۰۸۰۵۰	۰/۱۰۳	-۰/۳۶۴	نابرابری اقتصادی منطقه ای

یافته های جدول ۴ نمایانگر این مطلب هستند که میزان تأثیر نابرابری منطقه ای بر امنیت اجتماعی ۰/۵۵۴- است. این متغیر ۰/۲۸ واریانس امنیت اجتماعی را تبیین می کند.

جدول ۴: خلاصه مدل و ضرایب بین نابرابری منطقه ای و امنیت اجتماعی

دوربین واتسون	سطح معناداری	خطای معیار بر آورد	ضریب تعیین تعدیل شده	بتا	
۱/۹۶۸	۰/۰۰۱	۰/۰۴۵۶۶	۰/۲۸۳	-۰/۵۵۴	نابرابری منطقه ای

یافته های جدول ۵ نشان می دهد میزان تأثیر نابرابری منطقه ای بر متغیر امنیت

فرهنگی ۰/۶۳۹- است. متغیر نابرابری منطقه ای ۰/۳۸ و اریانس امنیت فرهنگی را تبیین می کند.

جدول ۵: خلاصه مدل و ضرایب بین نابرابری منطقه ای و امنیت فرهنگی

دوربین واتسون	سطح معناداری	خطای معیار برآورد	ضریب تعیین تعدیل شده	بتا	
۲/۳۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۳۴۷۰	۰/۳۸۸	-۰/۶۳۹	نابرابری منطقه ای

جدول ۶ نشان می دهد میزان تأثیر نابرابری منطقه ای بر متغیر امنیت اقتصادی ۰/۱۵۱- است که از نظر آماری معنادار نمی باشد.

جدول ۶: خلاصه مدل و ضرایب بین نابرابری منطقه ای و امنیت اقتصادی

دوربین واتسون	سطح معناداری	خطای معیار برآورد	ضریب تعیین تعدیل شده	بتا	
۲/۰۶۴	۰/۴۱۸	۰/۰۵۳۸۶	۰/۰۱۱	-۰/۱۵۱	نابرابری منطقه ای

یافته های جداول فوق نشان می دهند به ترتیب ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی نابرابری منطقه ای بیشترین تأثیر را بر امنیت عینی استان ها داشته اند. همچنین نابرابری منطقه ای بیشترین تأثیر را به ترتیب بر روی ابعاد فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی امنیت داشته است که تأثیر نابرابری منطقه ای بر روی بعد اقتصادی امنیت معنادار نبوده است.

بحث و نتیجه گیری

جوامعی که در آن نابرابری حاکمیت داشته باشد، فرصت های پیشرفت به طور عادلانه توزیع نمی شود. جوامع بشری به راحتی می توانند فقر و محرومیت را تحمل نمایند، ولی آنچه که برای هیچ جامعه ای قابل تحمل نیست تبعیض و نابرابری است که موجب سلب امنیت در جامعه می گردد. در دهه های اخیر، مفهوم و ماهیت تهدیدهای امنیتی تغییر کرده است. توجه اصلی برای حفظ امنیت از ابعاد سنتی و نظامی تهدید، به تهدیدهای غیر سنتی و غیر نظامی معطوف شده است. همچنین امنیت تنها در مقابله با تهاجم خارجی جستجو نمی شود، بلکه در شیوه مواجهه با تهدیدهای داخلی، همچون مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز معنا می یابد. امنیت تاحدودی متأثر از سیاست های دولت می باشد. سیاست های دولت بویژه سیاست های اقتصادی دولت، نحوه تخصیص منابع و توزیع درآمدها را در



جامعه متأثر می سازد و از این طریق زمینه ارتکاب جرم در جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد.

یافته های تحقیق حاکی از آن است که از لحاظ امنیت در بین استان های کشور با توجه به جمعیت، استان تهران دارای بالاترین میزان امنیت و استان خوزستان دارای کمترین میزان امنیت بوده اند. همچنین از لحاظ نابرابری منطقه ای با توجه به جمعیت، استان البرز دارای بیشترین نابرابری و استان کهگیلویه و بویر احمد دارای کمترین نابرابری در بین استان های کشور بوده اند. توزیع نامتوازن فرصت ها و عدم سرمایه گذاری های مناسب در برخی استان ها نه تنها باعث مهاجرت اجباری صدها هزار نفر از استان های دیگر مثلاً استان ها مرزی به کلان شهرهایی مانند تهران شده است، بلکه باعث شده تا جمعیت باقی مانده در استان های کمتر برخوردار، از احساس محرومیت نسبی ناشی از نابرابری رنج ببرند. نابرابری و تبعیض، به مثابه آن روی سکه توسعه، خطری مستقیم برای امنیت به شمار می آیند. استان تهران از لحاظ بعد ایجابی امنیت یعنی کیفیت و رفاه زندگی بیشترین امکانات را در بین استان های کشور به خود اختصاص داده و با لحاظ کردن جمعیت رتبه پایینی از نظر نابرابری (رتبه ۲۷) در بین استان های کشور داشته است. همین امر باعث مهاجرت تعداد زیادی از افراد سایر استان های کشور به استان تهران شده است. این مهاجران که قدرت خرید یا اجاره سنگین مسکن در استان تهران را ندارند در حاشیه های استان تهران یا استان البرز ساکن می شوند. به همین دلیل در استان البرز جمعیت زیادی از تمامی اقصی نقاط کشور و با فرهنگ های متفاوت ساکن شده اند. این مسأله باعث شده متناسب با افزایش جمعیت، امکانات، رفاه و کیفیت زندگی برای ساکنان این استان تأمین نشود و رتبه اول نابرابری را بین استان های کشور داشته باشد. از سویی دیگر قرار گرفتن جمعیت زیاد با فرهنگ ها و عقاید متفاوت در کنار یکدیگر موجب شده در بسیاری از جرایم و آسیب های اجتماعی این استان آمار بالایی داشته باشد. این عوامل باعث شده استان البرز از لحاظ امنیت عینی رتبه ۲۷ (رتبه یک بالاترین امنیت) کشور را داشته باشد.

مهاجرت های ناشی از نابرابری های منطقه ای تأثیرات عمیقی بر تحولات اقتصادی، اجتماعی استان ها می گذارد. مهاجرت عمدتاً از روستاها و شهرهای کوچک در استان های کمتر برخوردار به شهرهای بزرگ و برخوردار صورت می گیرد و باعث برهم خوردن تعادل هم در مبدأ و هم مقصد می شود. این جا به جایی دو اثر اساسی فرهنگی و اجتماعی برجای می گذارد. از نظر فرهنگی، رفتن افراد به میان اجتماع های بزرگ موجب سست شدن عقاید، باورها، ارزش های سنتی و

مطلق و تخفیف وجدان جمعی در افراد می شود و این تحول فرهنگی و گم شدن فرد در انبوه جمعیت، زمینه بروز و شیوع انواع جرایم و ناهنجاری های اجتماعی را فراهم می کند. قرار گرفتن جمعیت های متعدد با فرهنگ ها و ارزش ها و عقاید متفاوت در کنار یکدیگر موجب می شود افرادی که تا قبل از آن به دلیل زندگی در اجتماع های کوچک ارزش ها، هنجارها، پایگاه ها و موقعیت های اجتماعی را لایتنیر می دانستند، اکنون به سستی این باورها و وجود عقاید و باورهای مخالف با ایده های قبلی خود آگاهی یابند و طالب راه هایی برای رسیدن به پایگاه و موقعیت های برتر شوند. بالا رفتن سطوح انتظارهای عمومی به دلیل تحول و نسبت ارزش ها و هنجارهای اجتماعی و سست شدن ارزش های سنتی، زمینه ذهنی افزایش جرایم و آسیب های اجتماعی و کاهش امنیت در جامعه محسوب می شود. از سوی دیگر مهاجرت باعث گم شدن فرد در انبوه جمعیت، حاشیه نشینی، محرومیت های رفاهی، نیافتن شغل مناسب و... می شود و همه این ها موجب شکل گیری بعد عینی و گسترش کمی و کیفی انواع جرایم و ناهنجاری های اجتماعی می شود. پس مهاجرت های ناشی از نابرابری هم از بعد ذهنی و هم از بعد عینی تأثیرات زیادی بر شکل گیری و گسترش جرایم و مسایل اجتماعی و در نتیجه کاهش امنیت در جامعه دارد.

پیوستگی دو مفهوم نابرابری و امنیت در پژوهش ها و تحقیق های فراوان به اثبات رسیده است به طوری که این دو مفهوم لازم و ملزوم همدیگر شناخته می شوند. دستیابی به امنیت بدون برخورداری از برابری ناممکن است. کشورهای نابرابر نسبت به کشورهای برابر از ضریب امنیتی کمتری برخوردارند. یافته های این تحقیق همسو با یافته های تحقیق های مداح (۱۳۹۰)، شهبازی و همکاران (۱۳۹۰)، مهرگان، و گرشاسبی فخر (۱۳۹۰)، اعظمی و روستا (۱۳۹۱)، نصیری و اعظمی (۱۳۸۵)، مسنر و تردیف (۱۹۸۶)، بورگوینون و دیگران (۲۰۰۰)، کلی (۲۰۰۰)، سانچز (۲۰۰۲)، براش (۲۰۰۷)، چو (۲۰۰۸)، دهلببرگ و گوستاوسون (۲۰۰۸) و مطابق با نظریه های نیاز انسانی، مکتب کپنهاک (به ویژه بوزان، ویور و مولر)، مارکس و دیدگاه مارکسیستی، پارسونز، مرتون، گیدنز، بوردیو، مازلو و نظریه شبکه های حمایت اجتماعی نشان می دهد بین نابرابری و امنیت رابطه وجود دارد.

مهمترین اثر بالقوه نابرابری که اغلب صاحب نظران بدان توجه داده اند، تشدید انواع خشونت، تضاد و خصومت در جامعه است (کندی و دیگران، ۱۹۹۱؛ مسنر، ۱۹۸۹؛ لندن و راینسسون، ۱۹۸۹؛ مولر، ۱۹۸۸؛ بوسول و دیکسون، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۳؛ به نقل از چلبی، ۱۳۷۵). مکانیسم تأثیر نابرابری منطقه ای بر امنیت به دو صورت است: از

لحاظ بعد ایجابی امنیت (کیفیت و رفاه زندگی) وقتی نابرابری وجود داشته باشد، این نابرابری باعث می شود میزان کیفیت زندگی و رفاه عده زیادی از مردم کاهش یابد و باعث بروز فقر اقتصادی، افزایش فاصله اجتماعی، محرومیت و شکست در دستیابی به مزیت های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در مناطق مختلف شود و این افراد از این نظر دارای امنیت پایین تری باشند. مناطقی که نابرابری در آنها بیشتر است، دارای نرخ بیکاری بالاتری هستند، مقدار کمتری برای تعلیم و تربیت هر فرد هزینه می کنند، وضعیت آموزشی ضعیف تری دارند و درصد کمتری از افراد به دانشگاه می روند، درصد بیشتری از مشکلات پزشکی رنج می برند، نسبت بیشتری از افراد به دلیل معلولیت از کار کردن محرومند، همچنین تعداد زندانیان، نرخ آدم کشی و جنایت، استعمال دخانیات و مواد مخدر و... در این مناطق بیشتر است. در گزارش های توسعه انسانی سازمان ملل متحد نیز تأیید شده است که، سطوح پایین شاخص هایی از جمله فقر و بیکاری از عوامل مؤثر بر کاهش امنیت کشورها به شمار می آیند (السعيد، ۱۳۸۱: ۳۸۸). مک نامارا^۱ (۱۹۶۸) نیز معتقد است ریشه هر گونه عدم امنیت و بی ثباتی، فقر می باشد. وی فقر را بلای جان حکومت ها دانسته و می گوید در یک جامعه در حال مدرن شدن، امنیت توسعه است و بدون توسعه هیچ گونه امنیتی نمی تواند وجود داشته باشد.

از سویی دیگر نابرابری باعث ایجاد احساس محرومیت نسبی و ایجاد زمینه برای بروز جرایم و آسیب های اجتماعی می شود. احساس محرومیت نسبی یعنی درک تفاوت بین داشته ها و خواسته ها و با مقایسه شکل می گیرد. وقتی افراد معتقد باشند در جامعه برابری وجود ندارد و افراد فرصت برابری در امکانات رفاهی، بهداشتی، فرهنگی، تحصیلاتی، شغلی و... ندارند، احساس محرومیت نسبی می کنند و این احساس محرومیت باعث افزایش میزان جرایم و آسیب های اجتماعی در جامعه می شود. جرم یک پدیده نامطلوب اجتماعی است که وقوع آن ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه را متأثر می سازد به گونه ای که رشد آن موجب تقویت روحیه قانون شکنی و تجاوز به حقوق مردم، اخلال در نظم عمومی و کاهش انگیزه تولید و سرمایه گذاری در نزد عوامل خصوصی می شود و نتیجه آن کاهش امنیت در جامعه است. فیلیپس^۲ (۱۹۹۱) اعتقاد دارد که نابرابری و فشار اقتصادی باعث بی مسئولیتی و در نتیجه سبب انحرافات اجتماعی شود. همچنین نابرابری باعث پایین آمدن اعتماد و سرمایه اجتماعی در جامعه می شود و در این شرایط قوانین و ساختار جامعه زیر سؤال رفته و انحرافات اجتماعی افزایش و امنیت در جامعه کاهش می یابد.

۱. McNamara

۲. Philips

منابع

- احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۸۹)، امنیت اجتماعی و هویت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۳، صص ۱۶۳-۱۳۳.
- اعظمی، هادی و روستا، مجتبی (۱۳۹۱)، بررسی و تحلیل تأثیر نابرابری‌ها بر امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کلان شهر مشهد، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۸۱، صص ۱۹۲-۱۷۷.
- السعید، مصطفی کامل (۱۳۸۱) مشروعیت و امنیت در کشورهای عربی، ترجمه قدیر نصری، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره ۱۶، صص ۴۰۸-۳۸۳.
- الیاسی، محمدحسین (۱۳۷۹)، بررسی احساس امنیت شهروندان تهران و منزلت اجتماعی پلیس، اندیشه انتظامی، سال دوم، شماره ۱.
- بی، ارل (۱۳۸۱)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه رضا فاضل، تهران: انتشارات سمت.
- برومند، شهزاد؛ شاه حسینی، سمیه؛ امینی، صفی‌ار و فخر حسینی، فخرالدین (۱۳۸۷)، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)، تهران: مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- بودون، ریمون و بوریگو، فرانسوا (۱۳۸۵)، فرهنگ انتقادی جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالحسین نیک گوهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- بوزان، باری (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده.
- بیکر، ترز (۱۳۸۱)، نحوه انجام تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائبی، تهران: انتشارات روش، چاپ دوم.
- پوریان، عزت اله (۱۳۸۹)، مطبوعات، جرائم اجتماعی و احساس امنیت و آگاهی، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲۲، صص ۱۸۵-۱۶۳.
- ترنر، جان‌اتان (۱۳۷۳)، ساخت نظریه‌های جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز: انتشارات نوید.
- رودانی، امین؛ رئیسی وانانی، رضا و ناظر حضرت، جعفر (۱۳۹۰)، بهینگی اجرای طرح ارتقاء امنیت اجتماعی در بوتۀ نظرسنجی از ناحیه افکار عمومی (مطالعه موردی: منطقه ۱۶ شهرداری تهران در سال ۱۳۹۰)، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۷، صص ۱۲۰-۹۷.
- دلاور، علی؛ احمدوند، علی محمد و رضایی، علی محمد (۱۳۸۷)، ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس احساس امنیت تهران، دوماه‌نامه دانشور رفتار، سال

پانزدهم، شماره ۲۸، صص ۶۰-۴۹.

- راستی، عمران و رحیمی، محمد (۱۳۸۷)، امنیت و توسعه در غرب آسیا از منظر مدل محور- پیرامون: مطالعه موردی مناطق مرزی کشورهای ایران، افغانستان و پاکستان، مجموعه مقاله های همایش بین المللی امنیت انسانی در غرب آسیا، صص ۱۷۲-۱۴۵.
- راغفر، حسین؛ خوشدست، فریبا و یزدان پناه، محدثه (۱۳۹۱)، اندازه گیری نابرابری درآمد در ایران از ۱۳۶۳ تا ۱۳۸۹، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۵، صص ۲۶۶-۲۴۱.
- ریتزر، جرج و گودمن، داگلاس جی (۱۳۹۰)، نظریه های جامعه شناسی مدرن، ترجمه خلیل میرزایی و عباس لطفی زاده، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۸۵)، توسعه و نابرابری، تهران: نشر مازیار.
- سلمانی بی شک، محمدرضا؛ شاهویردی دولت آباد، امیر و باستان، فرانک (۱۳۹۳)، بررسی اثرات درآمد مالیاتی و امنیت اقتصادی در ایران (رهیافت متقابل علیت در داده های سری زمانی)، فصلنامه سیاست های مالی و اقتصادی، سال دوم، شماره ۷، صص ۹۰-۷۳.
- شفیع، حسن و محقر، علی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و امنیت اجتماعی پایدار، مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی، زیر نظر معاونت اجتماعی ناجا؛ تدوین تنظیم اداره کل مطالعات اجتماعی، تهران: انتشارات آشنایی.
- شهبازی، نجف علی؛ صادقی عمروآبادی، بهروز و عزیز موسوی، سید علیرضا (۱۳۹۰)، بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر امنیت اجتماعی، آفاق امنیت، سال چهارم، شماره ۱۲، صص ۱۴۳-۱۲۵.
- صالحی فر، حسن (۱۳۸۷). رابطه نابرابری اجتماعی و احساس امنیت در شهر مشهد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی.
- صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۶)، مفاهیم و نظریه های فرهنگی، تهران: ققنوس.
- صالحی امیری، سید رضا و افشاری نادری، افسر (۱۳۹۰)، مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقای امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، شماره ۵۹، صص ۷۶-۴۹.
- صدیق سروستانی، رحمت اله (۱۳۸۸)، آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- طهماسبی، فردین؛ میرزایی، خلیل و کامران، فریدون (۱۳۹۱)، عوامل اجتماعی

- مؤثر بر احساس نابرابری های اجتماعی و پیامدهای آنها در شهر تهران، فصلنامه پژوهش اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۷۵-۱۰۰.
- غفاری، غلام رضا (۱۳۹۲)، نظم و امنیت اجتماعی در آراء و نظریه های جامعه شناسی، تهران: سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
 - گرب، ادوارد. جی (۱۳۷۳)، نابرابری اجتماعی؛ دیدگاه های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر، ترجمه محمد سیاهپوش و احمد رضا غرویزاده، تهران: معاصر.
 - گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، پیامدهای مدرنیته، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: مرکز.
 - گنجی، حمزه (۱۳۸۴)، روان شناسی کار، تهران: ساوالان، چاپ چهارم.
 - مازلو، آبراهام. اچ (۱۳۷۲)، انگیزش و شخصیت، ترجمه احمد رضوانی، مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
 - مداح، مجید (۱۳۹۰)، تحلیل اثر فقر و نابرابری در آمدی بر جرم (سرقت) در سطح استان های کشور، پژوهشنامه اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۳، صص ۳۰۳-۳۲۳.
 - مک سوینی، بیل (۱۳۹۰)، مقدمه ای بر جامعه شناسی امنیت، ترجمه محمدعلی قاسمی و محمدرضا آهنی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
 - مک کین، لای، آر. دی و لیتل، آر (۱۳۸۰)، فرهنگ امنیت جهانی، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 - مهرگان، نادر و گرشاسبی فخر، سعید (۱۳۹۰)، نابرابری در آمد و جرم در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال یازدهم، شماره ۴، صص ۱۰۹-۱۲۵.
 - نصری، قدیر (۱۳۸۱)، معنا و ارکان جامعه شناسی امنیت؛ امنیت پایدار، سرمایه اجتماعی و جنبش های اجتماعی، مجله راهبرد، شماره ۲۶، صص ۱۱۲-۱۳۳.
 - نصیری، معصومه و اعظمی، هادی (۱۳۸۵)، نابرابری های شهری تهدیدی برای امنیت اجتماعی تهران، رویکردی در جغرافیای سیاسی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۱، صص ۶۱-۴۲.
 - نویدینا، منیژه (۱۳۸۸)، امنیت اجتماعی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
 - نویدینا، منیژه (۱۳۸۵)، تأملی نظری در امنیت اجتماعی با تأکید بر گونه های امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال نهم، شماره ۳۱، صص ۷۲-۵۳.
 - نویدینا، منیژه (۱۳۸۲)، درآمدی بر امنیت اجتماعی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ششم، شماره ۱۹، صص ۷۸-۵۵.
- Bjerregaard, B. & Cochran, J. K. (2008), A Cross-national test of institutional anomie theory: Do the strength



of other social institutions mediate or moderate the effects of the economy on the rate of crime? *Western Criminology Review*, Vol. 9, No. 1, Pp 48 –31.

- Bourdieu, P. (1986), The forms of capital, *Handbook for theory and research for the sociology of education*, J.G. Richardson.
- Bourguignon, F. Nunez, J. & Sanchez. F. (2002), What part of the income distribution does matter for explaining crime? The case of Colombia.
- Brush, J. (2007), Does income inequality lead to more crime? A Comparison of cross-sectional and time-series analyses of United States counties”, *Economics letters*, Vol. 96, No. 2, Pp 268-264.
- Buzan, B. (2000), *Security studies: Beyond strategy*.
- Cheeseman, G. & Kattle, J. (1990), *The new Australian militarism: undermining our future security*, Pluto press.
- Choe, J. (2008), Income inequality and crime in the United States, *Economic letters*, Vol. 101, Pp 33-31.
- Dahlberg, M. & Gustavsson, M. (2008), Inequality and crime: Separating the effects of permanent and transitory income, *Oxford bulletin of economics and statistics*, Vol. 70, No. 2, Pp 153-129.
- Dupont, V. (2007), Do geographical agglomeration, Growth and equity conflict? *Regional science*, Vol. 86, No. 2, Pp 213-193.
- Ferguson, K. M. & Mindel, Ch. H. (2007), Modeling Fear of Crime in Dallas Neighborhoods: A Test of Social Capital Theory, *Crime & Delinquency*, Vol. 53, No. 2, Pp. 349-322
- Ficker, B., and Herbert, S. H. (1971), *Urban crisis*, The macmillan company where, Sage publications, London.
- Garfield, E. (1987), The anomie-deviant behavior connection: The theories of Durkheim, Merton, and Srole, *Essays of an information scientist*, Vol. 10, No. 39, Pp 281 – 272.
- Jackson, j. (2006), Introducing fear of crime to risk research, *risk analysis*, Vol. 26, No. 1, Pp 264-253.

- Jahnston, D. (1997), The mystery of the violent bank jobs. New York Times. March 30. P. E4.
- Kanbur, R., Venables, A. j. (2005), Spatial inequality and development, Oxford: Oxford University press.
- Kelly, M. (2000), Inequality and crime, the review of economic and statistics, Vol. 82, No. 4, Pp 539- 530.
- Lees, N. (2010), Inequality as an obstacle to world political community and global social justice, oxford university, paper to be presented at the SGIR 7th annual conference on international relations, Sweden, September 11-9 th 2010.
- Lindstrom, M. & Merlo, J. & Ostergren, P. O., (2003), «Social capital and sense of insecurity in the neighbourhood: a population-based multilevel analysis in Malmo, Sweden», Social science & medicine, Vol. 65, No. 5, Pp. 1120-111.
- Pacione. M. (2005), Urban geography. A global perspective. 2th. London: Routledge.
- Parker, R. N & Rethun, L. A. (1995), Alcohol and homicide: A deadly combination of two American traditions, Albany, New York: State University of New York press.
- Philips, M, B. (1991), A hedgehog proposal, crime and delinquency, Vol. 37, No. 4, Pp 574-555.
- Mcnamara. R. S. (1968), Essence of security, New York, Harper row.
- Messner, S & Tardiff, K. (1986), Economic inequality and levels of homicide: An analysis of urban neighborhoods. Criminology, Vol. 24, No. 2, Pp 316-297.
- Moller, B. (2000), National, societal and human security: Discussion-Case study of the Israel- Palestine conflict.
- Roe. P. (1996), The societal security dilemma, Copenhagen peace research institute (COPRI) working papers.
- Sánchez, F, Solimano, A. & Formisano, M. (2002), Conflict, violent crime and criminal activity in Colombia, mimeo, research program

of the economics and politics of civil wars, Yale university.

- Shankar, R & Shah, A., (2003), Bridging the economic divide within countries: A scorecard on the performance of regional policies in reducing regional income disparities, World development, Vol. 31, No. 8, Pp. 1441–1421.
- Shihadeh, E. S & Flynn, J. (1996). Segregation and crime: the effect of black social isolation on the rates of black urban violence, Social forces, Vol. 74, No.4, Pp 1352-1325.
- Vandenburg, H. (2004). Deviance, the essentials. Upper saddle river. NJ: Pearson.
- The impact of regional inequalities in the objective security provinces of the country

Archive of SID